

### متن پیاده سازی شده

#### بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که بحث در مورد اجماع منقول بخبر واحد بود؛ یعنی کسی به اجماعی برخورد می کند که خودش برای حصول این اجماع زحمت نکشیده است و این اجماع از طریقی رسیده است که متواتر نبوده است بلکه یک یا دو یا سه نفر این اجماع را نقل کرده اند.

آیا ما می توانیم طبق اجماع منقول به خبر واحد فتوا بدهیم یا نه؟

عرض شد که مرحوم آخوند می فرماید: اگر شخص اجماع حدسی نقل کند این چنین اجماعی حجت نیست و مشمول ادله حجیت خبر واحد نمی شود چرا که ادله حجیت خبر واحد در محسوسات جریان دارد.

نکته: مرحوم آخوند می فرماید: در ادعای اجماع باید موضع را دید؛ اگر کسی در مساله سرقفلی ادعای اجماع کرد (سرقفلی که در دو یا سه قرن اول اسلام اصلاً مطرح نبوده است) معلوم است که این ادعای اجماع حدسی است؛ و لذا ما نمی توانیم به طور مطلق بگوییم اجماع منقول به خبر واحد قبول است یا نه، چرا که باید حال ناقل، مورد ادعا و... را دید.

نکته: مرحوم آخوند و نوع اصولی ها راجع به رسیدن ناقل به نظر فقها عن حس است یا حدس اشاره نمی کنند.

توضیح: یک بار شخص می رود و تمام کتاب ها و نظرات علما را می بیند و اجماع محصل می شود و بعد هم این اجماع را نقل می کند در این صورت اقل اجماع از روی حس به نظر فقها رسیده است اما یک بار هم ناقل اجماع، نظرات را از کتاب ها می بیند و یک عده از نظرات را خودم متوجه می شویم مثلاً می گوئیم چون در فلان مساله این طور گفته است پس باید نظرش این طور باشد.

استاد علیدوست: جای این بحث در کتب اصولی خالی است و مرحوم آخوند هم در این رابطه بحث نمی کند. نکته: ما یک عده از فقهاء داریم که زود ادعای اجماع می کنند مانند: سید مرتضی، سید ابن زهره، شیخ صدوق و... اینها ادعای اجماع در برخی از مسائل می کنند که این مسائل در برخی کتب معنون نیست و علت این اجماع ها، این است که این اعظم نمی رفتند تمام متون فقهی نگاه کنند بلکه عن حدس و اجتهاد به اجماع می رسیدند؛ این اجماعات را اجماع علی القاعده می نامند یعنی طبق قاعده این ها ادعای اجماع کرده اند.

ایشان (مرحوم آخوند) در ادامه می فرماید ینبغی التنبیه علی امور:

عرض شد که برای پذیرش اجماع منقول 4 صورت بیان شد که در سه صورت اجماع قابل پذیرش بود و در یک صورت غیر قابل پذیرش. مرحوم آخوند می فرماید: مبنای (اجماع لطفی) باطل است (هیچ توضیحی هم بیان نمی کند).

نکته: چون موطن این بحث علم کلام است اینها ذکر نکرده اند اما شایسته بود اجمالاً ذکر می کردند. (استاد علیدوست)

اما ملازمه اتفاقی: مشکل اجماع، اتفاقی بودن (غیر فراگیر) است و لذا شاید برای منقول الیه این ملازمه رخ ندهد.

اما ملازمه عادی (فراگیر): این ملازمه خوب است اما چقدر اتفاق می افتد که فقهاء در یک مساله اجماع کنند و به طور عمومی همه فقهاء رای معصوم را حدس بزنند؟ پس نادر است.

اما اجماع دخولی: این هم قابل پذیرش نیست، چرا که در عصر غیبت کسی که چنین ادعای کند متهم محسوب می شود (مگر کسی که خدمت آقا برسد به ای راحتی بیان می کند).

خلاصه کلام ایشان در یک جمله: آن اجماعی که ما ینفع است لا یتفق و آنکه یتفق لا ینفع؛ ایشان فاتحه اجماع منقول را با این عبارات خواند.

سوال: آیا اجماعات منقول اصلا مورد استفاده نیستند؟

جواب: این اجماعات، کاشف از رای معصوم نیست، اما همین اجماعات برای ما، به عنوان قرینه محسوب می شود و بر مبنای تجمیع ظنون، به کار فقیه می آید.

عبارت کفایه: لا یکاد یجدی نقل الاجماع الا من باب السبب (یعنی ما نمی توانیم قول امام را کشف کنیم اما بدر قرینه شدن می خورد).

مطلب دیگر: مرحوم آخوند در انتهای بحث اجماع منقول است و در انتها می فرماید: ما گاهی وقت ها دو اجماع متعارض داریم در این صورت چکار کنیم؟ عجیب تر اینکه گاهی یک نفر دو اجماع متعارض را نقل می کند مثل: شیخ طوسی که از این اجماعات زیاد دارد.

مرحوم آخوند: اگر دو نقل متعارض بود احتمال اول: می شود گفت یکی از اینها دروغ است احتمال دوم: و می شود گفت هر دو درست است اما از حیث نقل سبب اما از حیث نقل مسبب و نظر امام درست نیست؛ مرحوم آخوند می گوید احتمال دوم درست است، چرا که همه اینها صادق هستند اما بنابر اختلاف مبانی این تعارضات پیش آمده است.

**الحمد لله رب العالمین**